ای مزدا اهورا ،این را از تو میپرسم :آیا کسی که با نیک آگاهی برا افزایش توانایی خان و مان و روستا و شهر و کشور و پیشرفت و گسترش آشا(راستی و درستی)بکوشد مانند تو خواهد گردید و به تو خواهد پیوست؟کِی او چنین خواهد شد و با کدامین کردار؟
گات ها هات 31 بند 16

# 1 پیش گفتار ،آرمان دین بهی، زرتشتی بودن

## پیشگفتار

موبد کامران جمشیدی
نزديك به 4000 سال پيش، هنگامي كه انسان در ناآگاهي و ناداني بسيار بیشتری به سر مي برد، و از همين رو با نشناختن دنياي پيرامونش و ندانستن سبب هاي رويدادهاي سرشتی و آخشیجی (طبيعي- مادی)، براي هر نمودي از جهان هستی و یا سهش ها (احساسات) و كاركردهاي انساني، خدايي و خدايگونه اي در پندار خود بافته و ساخته بود و به درگاه آنها نياز و قرباني كرده در ترس و بيم هميشگي از خشم آنان به سر مي برد و هنگامي كه كرپَن ها و كاوي ها، همانا كيش مداران و قدرتمداران و زورگويان از ناداني و ناآگاهي او بهره برداري مي كردند و سرانجام هنگامي كه آرامش و شادي و خوشبختي از زندگي ها رخت بربسته و راهی برای رهايی و رهایی بخشي در ديده نبود :
بزرگ مردِ انديشمند و فرزانه اي "**زرتشت**" نام از خانواده ي "**اِسپَنتمان**" (اسپيتمان) در جستجوي خود به دنبال راستی ها (حقيقت)، پس از گذشتن از يك روند و جريان آگاهي، از راه خرد و اِلهام دروني و روشنايی يافتن (اشراق) به وجود هنجار (نظم) و قانونمندي در جهان هستي، وجود يگانه اَبُرداناي برپاكننده و برپانگاهدارنده ي آن و همچنين بنيان هاي فردی- گروهیِ‌ِيك زندگيِ بخردانه، راست و درست و همراه با آسايش و آرامش پي برد.

او پيام خود را كه پيام يكتاشناسي و زندگاني خردمندانه ي بدور از خرافات و هماهنگ با قانونمندي جهان هستی بود براي مردم جهان به ارمغان آورد. به اين ترتيب او ديني را بنيان گذاشت كه نخست از ايران زمين آغاز و سپس نيمي از جهان آنروز را فرا گرفت و در درازاي چندين هزاره زندگي ساز و اميدآفرين انسان شد. آموزش ها و باورهاي اين دين، نشان خود را بگونه ی آشکاری بر فرزان ها (فلسفه ها) و دينهاي ديگر نيز گذاشتند كه البته هر كدام از آنها ويژگي هاي خود را يافتند.

به دنبال رويدادهاي تاريخي (كه آنها را به نوشتارهاي ديگر و پژوهشگران تاريخ وا مي گذاريم) سرنوشت اين دين به جايي كشانده شد كه پيروانش به شمار و در سنجش بسيار كم شدند. اما دين و آيين زرتشت از چنان ريشه ي پرتوان و استواري برخوردار بود كه تاب آورد تا آنكه زمان شكوفايي دوباره اش فرارسد. شناخت دوباره ي اين دين و فرزان انسان ساز آن چنديست كه آغاز گشته است و روز بروز بر شور و دلبستگي ايرانيان و جهانيان به آگاهي بيشتر از اين دين خوبِ ايراني- جهاني افزوده مي گردد.

آرمان دین بهی
موبد کامران جمشیدی:

آرمان دین بهی خوشبختی و رستگاری است
که همانا خشنودی انسان و آرامش و آسایش تن و روان می باشد.
دین بهی به ما می آموزد که تنها راه رسیدن به این آرمان پیمودن راه راستی است زیرا راستی و درستی آن حقیقتی است که بر بنیاد آنها زمین و آسمان و هر چه در آنهاست آفریده شده و آفریدگار آنها نیز خداوند یکتا و ابردانای هستی بخش است که اشو زرتشت، آموزگار ما آن را اهورامزدا نامیده است. این آفرینش بر بنیاد هنجاری پیدایش یافته که قانونی است دگرگون نشدنی و جاودانی. نام این هنجار اشا asha می باشد.
بر پایه ی این هنجار هر کنشی در هر جای جهان انجام گیرد واکنش مناسب خود را خواهد داشت و از این رو هر کار درست و هماهنگی با اشا نتیجه ی خوب و درست و وارون آن هر جنبش و کاری که نادرست باشد نتیجه ی آن نیز نادرست و «بد» خواهد بود.
ما انسان ها نیز که جزوی از این آفرینش هستیم اگر خود را با هنجار هستی (اشا) هماهنگ کرده و اندیشه و گفتار و کردارمان بر آن پایه باشد، خوب و اشون ashavan بوده و نتیجه ی کردارمان نیز خوب و اشویی است. این نتیجه ی خوب، خشنودی آورده و به آرامش دست می انجامد. آرامشی که میوه ی آن پیشرفت و رسایی (تکامل) بوده و تن و روان را به آرامش و تندرستی رسانده و زندگی آسایش می یابد.
انسان پدیده ای است اجتماعی و برای داشتن یک زندگی آرام و آسوده نیازمند به داشتن جامعه ای آرام و آسوده است تا همه ی یگان های باشنده در آن بتوانند در این آرامش هنباز (شریک) باشند. بنابراین برای هر زرتشتی این یک نیاز و یک خویشکاری (مسئولیت) است تا به آرام سازی جامعه ی خود نیز یاری رساند.
این خویشکاری، خود جزوی از هنجار اشاست که در پیوند با «انسان اجتماعی»، انسانی که دارای نیروی اندیشه گری بوده و می تواند گزینش کند، دارای مینش (مفهوم) می گردد. در برابر خویشکاری، آزادی گزینش قرار دارد، بدین مینش که انسان اگرچه آزاد است که از میان راه های گوناگون برگزیند اما باید آگاه باشد که پاسخگوی نتیجه ی گزینش خود خواهد بود.
برای اینکه این گزینش ها به درستی انجام گیرد، به دو چیز نیاز است:
۱ -وهومن یا بهمن، منش نیک یا خرد نیک که نیروی شناسایی و تمیز (درست از نادرست) است.
۲ -آگاهی و دانایی.
از راه وهومن است که انسان راه را از چاه تمیز داده و بد را از خوب جدا می کند. این نیرو از آغاز خام و نارسا بوده و بایست با تمرینات روانی / اخلاقی و همچنین به یاری تجربه آن را پخته و آموخته ساخت.
براستی انسان دارای دو گونه نیروی تمیز یا خرد می باشد، یکی خرد گوهری یا ذاتی (آسن خرد) و دیگری خرد دریافتنی یا آموختنی (گوشو سرود خرد)

داوری های از پیش ساخته شده و بی بنیان (پیشداوری) یکی از بزرگترین بلاهای بشری است. یکی از چیزهایی که در فرادیدگری های (تصمیم گیری) درست در زندگی یاری می رساند و ما را به پیش می برد آگاهی و برداشت درست از هنجار اشاست.
یکی از گزارش های شایسته ای که برای اشا شده است این است که: اگر کار درست در زمان درست و مکان درست و با ابزار درست و به درستی انجام گیرد، نتیجه نیز درست خواهد بود. هر کدام از این ها هم که در جای درست خود نباشد، نتیجه درست و رسا نخواهد بود. از همین روست که به آن قانون دقت یا precision law نیز گفته می شود.
مهمتر از همه این است که بدانیم هر کار انجام شده در کارنامه ی کارکردهای ما در زندگی نوشته شده و هنایش (اثر) خود را به جای خواهند گذاشت. کردارهای خوب و انسان دوستانه و آرامش خواهانه به ما آسودگی وجدان و خشنودی بخشیده و واژگون آن نتیجه ی زیان بار خود را نه تنها روی خود ما بلکه بر روی تمامی جهان هستی بر جای خواهد گذاشت. به گفته ی دیگر، این همان بهشت و جهنمی است که ما با کرد و کار خود می توانیم در هر دم درهای آن را بروی خود باز و بسته کنیم.
یکی از بزرگترین درس های اشا، که شاید بتوان از آن با نام «قانون زرین» نام برد، میانه روی است. تندروی در هر زمینه ای در جایی به کجراهه خواهد رفت و ما را از راه راست به در خواهد برد. برای میانه روی باید بر روی خود و کارکرد سهش های (احساسات) خود چیره باشیم. این شهریاری یا چیرگی بر خود یا خویشتن داری در فرهنگ بهدینی خشترا khshatnra نامیده می شود. برای رسیدن به این چیرگی بر خود و آرامش، روش ها و ابزارهای کمکی نیز وجود دارند مانند نیایش و همچنین تمرینات تمرکز اندیشه و همترازی (بالانس) تن.
کسی که از وهومن برخوردار بوده و هماهنگ با اشا زندگی کند، نیک کردار و سازنده می باشد.
انسان های آزاد و نیکخواه و خشترایی در هر جامعه ای می توانند سیستم خوب و دلخواه خود را برای پیش بردن جامعه بنیان گذارند و رهبران اشویی خود را برگزینند. این شهریاری خوب و برگزیدنی را «وهو خشتر وئیریو « vohu khshathra vairyo می نامند.
هنگامی که انسان با بهره گیری از منش نیک و هماهنگی کامل با اشا یا اشویی زیستن و پاک و پاکیزه بودن در اندیشه و گفتار و کردار خود، به نیکی بر خود و سرکشی های سهش های ویرانگر خود مانند زیاده خواهی، کینه جویی، خشم و مانند آنها چیره شده و راه میانه و راست را در پیش گرفت و به آرامش و آسایش در تن و روان دست یافت، آنگاه است که آفرینندگی‌نیک و سازنده در او شکفته گشته و به نوسازی و پیشرفت همیشگی خود و جهان به سوی تکامل و رسایی خواهد پرداخت. تکاملی که در فرهنگ ما به آن «هئوروتات haurvataat » یا خرداد گفته می شود، بدین چیم که انسان نمونه ی ایده آلی از پیشرفت و رسایی می گردد و پس از آن دیگر برگشت پذیری و کاهش یابندگی (انگره) جایی نداشته و

تنها افزایش و پیشروی همیشگی (سپنتا) است به سوی جاودانه شدن یا «هئوروتات امرتات haurvataat ameretaat» .
واپس گرایی، کهنه پرستی و خشک اندیشی در آرمان زرتشتی ناستوده و ناشایست است. انسان شایسته است که پیوسته در کار نوآوری باشد. زندگی بدون آفرینندگی تیره و خاموش و مرگ آور است. کاشتن یک گل یا درخت تا نوشتن یک نوشتار و یک کتاب، ساختن یک آهنگ و ایجاد یک هنر، زادن یک فرزند و برداشت یک فرآورده، همه و همه خدمت و یاری به آفرینش است. تنها زندگی ای شکوهمند و سرشار و زنده است که در آن همه نیروهای انسانی به کار می افتد و هنر و نوآوری و شادی و خوشبختی تا جنب و جوش، کوشش و پویش همه جا را فرا می گیرد.
"پروردگارا بشود مانند کسانی شویم که جهان را به سوی رسایی و آبادی به پیش می برند"
اهنودگات، هات ۳۰، بند ۹
جامعه ی انسانی نیز که چون از انسان ها به هم آمده است دارای همان کارسازها یا مکانیسم ها بوده و همان ارزش ها در آن برپاست. یک جامعه ی خشترایی که تمام یگان های به هم آورنده ی آن از، سر تا پای آن، هماهنگ با هنجار اشایی کار می کنند به آرامش و شادی دست یافته و در آن آرامش به سوی بهبودی و بهزیستی به پیش می رود.
این جامعه ها، که رویهم آنها جامعه ی جهانی است بر پایه ی خانواده، برزن، شهر، کشور و جهان استوار است. برای داشتن یک جامعه سالم جهانی باید نخستین پایه های اجتماعی یا خانواده را سالم بنیان گذاشت و سپس کوی برزن و شهر و کشور را ساخت تا به جهان رسید.
امرتات یا امرداد، که سوی پیشرفت می باشد، آن چگونگی (وضعیتی) است که همراه است با آگاهی و آرامش و شادی کامل و همجوار با ابر دانای هستی بخش «اهورا مزدا». انسان نیک و پاک و اشویی، انسانی است کامل تر (در سنجه ای انسانی). اینگونه انسان ها بی گمان هم بر روی خانواده و خویشان خود و هم بر روی جامعه ای که در آن زندگی می کنند هنایشی (اثر) سازنده و آبادکننده بر جای می گذارند. فرزندانی که در اینگونه خانواده ها پرورش می یابند نام نیک پدر و مادران خود را همواره زنده نگاه خواهند داشت و جامعه نیز هنایش یافته از گفتار و کردار آنان گام های بیشتری بسوی پیشرفت برخواهد داشت و نام نیک آنان را در تاریخ خود زنده و جاودان نگاه خواهد داشت.
این، نمودِ این جهانی جاودانگی و نامیرایی می باشد. جاودانی روان، نمود مینوی امرتات بوده که هستی جاودان است در بهترین چگونگی مینوی یا « اشه وهیشته»، سرای اندیشه نیک و «گرو دمان» سرای سرود و جایگاه والای اهورا مزدا.
"پارسایانی که در برابر هنجار هستی و راستی و پاکی زندگی می کنند، در مکانی که در پرتو خورشید تو درخشان و منزلگه دانایان است به سر خواهند برد."
سپنتمد گات، هات ۵۰، بند ۲
زرتشتی بودن :
موبد کامران جمشیدی :

زرتشتی بودن، پیش از هر چیز، یك آگاهی و باوری ژرف و درونی به بهترین راستی و درستی (اشا وهیشتا یا اَردیبهشت) و نیکی بر بنیان اندیشه و خرد می باشد (وُهومن یا بَهمن). یک زرتشتی باور دارد که راستی بهترین نیکی است و آباد کننده است اما دروغ، آزارنده و ویرانگر جان و جهان است. خوشبختی او با خوشبختی همگان کامل می گردد.
برای او جهان هستی یگانه است، بدین مفهوم که هر چه هست با هم و درهم تنیده است و سرنوشت یکی در سرنوشت دیگری اثرگذار است. آب و باد و آتش و خاک را، که هر چه هست از آنها درست شده، سپنتایی و اهورایی می داند و از آلودگی و نابودی آنان که آلودگی و نابودی خود است می پرهیزد. گیاهان و جانوران را نیز در این چرخهٔ هستندگی و یگانگی می داند و آنها را نمی آزارد زیرا که پیامدش آزردگی خود و جهان است.
این دین اوست، یعنی بینش برآمده از خرد ، خردی که از ژرفای وجود و وُهومن او برمی خیزد و نیک است و بهساز. از این رو به او مزدیسنی نیز می گویند: کسی که خرد بهمنی را جشن می گیرد. خردی که در هازمان (جامعه) بزرگ او بگونهٔ خرد گروهی، در همکاری ، هماهنگی و همآوایی با دیگر اندیشه های نیک و سازنده، زندگی هازمانی او را به نیکی سازمان و سامان می دهد. سامانی که خوشبختی او و همگان را در پی دارد.
اگر شما نیز چنین می اندیشید و بر بنیان این باور سخن گفته و کارهای زندگانی تان را بر آن استوار می دارید، شما نیز یک زرتشتی و یک مزدیسنی یا ستایشگر دانش و آگاهی و خرد می باشید.

این یک شناختِ راستین و گزینش بر پایه آن است و در نتیجه امری فردی می‌باشد. این همانا یک فرآیند و روند است که خود، هم آغازگر و هم میوه‌ی یك دگرگونی ژرف درونی می‌باشد و نیاز به زمان برای رسایی یافتن دارد.بسیاری از ایرانیان، که پدران و مادران آنها در جایی در زمان و مکان و در پی رویدادهای گوناگون (اما بیشترین در پی زور و بیداد) از آیین مادری چشم پوشیده و به آیینی دیگر گرویده اند، امروزه چشمان ِشان بر راستی ها و روشنی های فرهنگ و آیین ریشه ای خویش باز شده و خواستار بازگشت به خویشتن هستند.
بسیاری از این هم میهنان چه بسا که بسیار راه دارند تا جان و روان خود را از آلودگی های سده و هزاره پاک گردانند اما همانگونه که آمد این یک روند و فرآیند است و ارجمند آن است که راه دیده شود و روشنایی خود را بنمایاند. رهرو خود دیگر در راه افتاده و بسوی آماج و آماجگاه (مقصد و مقصود) روان می شود. همگی این نازنیان هم میهن و هم اندیش نیز آزادند که خود را زرتشتی/ بهدین/ مزدیسنی بدانند و بنامند و کسی نیز بر پایهٔ آزادی گوهری انسان برای گزینش باور، حق بازخواست او را ندارد.
از سوی دیگر و در کنار و دست در دست آزادی، و برای آنکه این آزادی در چهارچوب راستی و نیکی بماند، بایسته است که هر کس پاسخگوی گزینش های خویش و اندیشه و گفتار و کردارش باشد.

آزادی و آزادگی به مفهوم بی بندوباری و هرج و مرج نیست که اگر چنین باشد به دروغ، که ویرانگر جان و جهان است دگرگون می شود.یک بِهدین آزاده، انسان رسیده و پخته ای است که پاسخگوی کردارهای خویش است و خویشکاری (مسئولیت) آن را بر خود گرفته و زمین و زمان و دیگران را پاسخگو نمی یابد. مزدیسنا، آیین خردمندان و رسیدِگان فرهنگی است.

بس است هر چه خود را و خرد و زندگی و سرنوشت خود را در دست دیگران، آن هم دشمنان خویش گذاشتیم و بر آیین های ناخودی و بیابانی سرنهادیم. آیین هایی که انسان را خردمند نمی خواهند بلکه بنده و برده و گوسفند می خواهند، که سر به زیر اندازد و حتا اگر سرش را بزنند آن را بلند نکند.
یک ایرانی/ زرتشتی سربلند است و سرافراز به آنچه در چنتهٔ فرهنگی و آیینی و تاریخی و اخلاقی خویش دارد و انسان آزاده ای است که سر تسلیم بر درگاه نابکاران و دزدان و ددان فرود نمی آورد.
پس سربلند باشیم و خود را ایرانی و زرتشتی / بهدین / مزدیسنی بدانیم و بنامیم.
پرسش ها :
1-1 – اشا چیست و اَشَون کیست؟
1-2- برای گزینش درست در زندگی به چه چیزهایی نیاز داریم ؟
1-3-آدمی از دو گونه خرد بهره مند است،نام ببرید
1-4- خشترا به زبان ساده چیست و چگونه میتوان به افزایش ان در درون خودمان یاری برسانیم ؟
5 – 1- خرداد و امرداد چیست و چگونه میتوان بدان دست یافت

2-1آنچه از مبحث آرمان دین بهی برداشت کردید در چند خط بیان نمایید
2-2زرتشتی بودن را با توجه به متن چگونه توصیف میکنید